

در اسناد باقی‌مانده ساواک از آبان ۱۳۵۷، می‌توان شیوه‌های مختلف مبارزه مردم با رژیم پهلوی در روزهای منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی را دید

شعارنویسی؛ از روی اسکناس تانسخه داروخانه

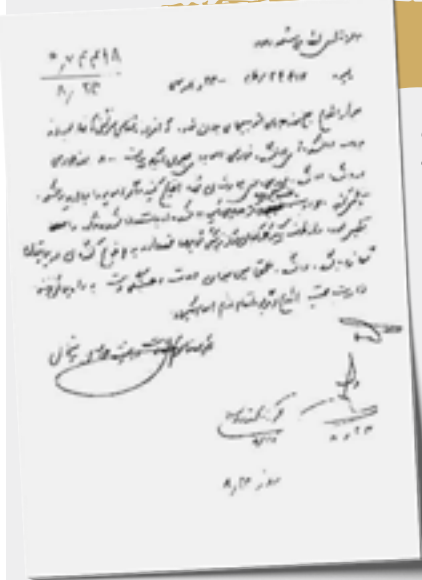
بیات| آبان سال ۱۳۵۷ در شهر مشهد، ماه مبارزات نرم مردم علیه نظام شاهنشاهی است؛ این ماه با اعتصاب غذای تعدادی از اساتید، کارمندان و دانشجویان دانشگاه فردوسی در محل محوطه اداره مرکزی دانشگاه فردوسی و دانشکده پزشکی شهناز در روز نخست شروع می‌شود و به‌دنبال آن، مردم راهپیمایی‌ها، تحصن‌های آرام و اعتصابات متعددی را در نقاط مختلف مشهد رقم می‌زنند؛ مختلفی تلاش می‌کنند قدرت حاکم بر شهر را تضعیف کنند و به اهداف خود که تشکیل حکومت اسلامی و رهبری امام خمینی^(۵) است، برسند. در این گزارش با استناد به گزارش‌ها و بولتن‌های خبری ساواک در هفته پایانی آبان ۱۳۵۷ نگاهی داشته‌ایم به همین اشکال خلاقانه و اثرگذار مبارزه مردم مشهد.

توضیح: در سطور پایین متن گزارش‌های ساواک عیناً آورده شده است.



اتومبیل‌های بدون شماره تاریخ سند: آبان ۱۳۵۷

به‌قرار اطلاع، صبح روز جاری، اتومبیل‌های بدون شماره که افراد ناشناسی سرنشین آن‌ها بوده‌اند به درب دانشکده‌های دانشگاه فردوسی اعلامیه‌ای به مضمون اینکه در ساعت ۸ روز جاری در باشگاه دانشگاه فردوسی و محل بیمارستان شهناز اجتماع کنید و اگر اعلامیه را بردارید، دانشکده به آتش کشیده خواهد شد، نصب گردیده و دکتر حدیدی، رئیس دانشکده ادبیات، دانشکده مذکور را تعطیل نموده و از طرف دیگر، کارکنان مرکز پزشکی شاهرضا قصد دارند به اجتماع کنندگان در بیمارستان شهناز و باشگاه دانشگاه ملحق، سپس به‌عنوان وحدت و همبستگی دست به راهپیمایی بزنند؛ لذا مراتب جهت اطلاع و هرگونه اقدام لازم اعلام می‌گردد.



ناهید جون یگو «مرگ بر شاه» تاریخ سند: آبان ۱۳۵۷

سهیلا نوروزی نامه‌ای به‌نشانی لاهیجان، حافظ شمالی، کوچه نوربخش، کوچه محمودی، پلاک ۱۱ منزل انتصاری ارسال و در نامه‌هایی که به‌عنوان افراد مختلف نوشته چنین اظهار داشته است: ناهید گشتگم... ناهید جون یگو مرگ برشاه. البته‌شوخی کردم این‌جمله‌ای است که بچه‌مجاهدها سربازان و افراد شهریانی را به‌گفتن آن دعوت می‌کنند و آن بیچاره‌ها هم از ترسشان نه می‌گویند مرگ بر شاه و نه می‌گویند مرگ بر[...]. تو چرا می‌ترسی ناهید عزیزم، آن کسی باید بترسه که برادرکشی می‌کنه و آن‌کس باید بترسه که دستورش را صادر می‌کنه. در این روزهای بحرانی که همه یکدل و یک‌رنگ شده‌اند، بیا ما با هم، با همه، یک صدا شویم، عوض کلمه پوچ و واهی جاوید شاه که خود یک پیوند بود، یکم چاپید شاه که پیوندی ناگسستنی ایجاد گردد.

ملاحظات: عین نامه جهت بررسی و بهره‌برداری ایفا می‌گردد. خواهشمند است به قطعه مویی که در نامه مربوط به ناهید جهت آگاهی از کنترل نامه‌ها قرار داده شده، دقت نموده و از بین رفتن آن خودداری نمایید.



خروج سرمایه از بانک‌ها تاریخ سند: آبان ۱۳۵۷

بند ۹ گزارش وضعیت اعتصاب کارمندان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و نیمه‌دولتی کشور

اعتصابات استان خراسان؛ ادارات امور اقتصادی و دارایی، فرهنگ و هنر، بازرگانی، استاندارد و امور اجتماعی مشهد- سازمان تعاونی روستایی استان. توضیح: مردم مرتباً به بانک‌ها مراجعه و کلیه موجودی خود را دریافت می‌نمایند، به‌طوری‌که تا تاریخ ۵۷/۸/۲۱ حدود ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از بانک پارس و بیش از این مبلغ از بانک ملی مشهد گرفته شده و در سایر شهرستان‌ها نیز به همین نحو عمل می‌کنند.



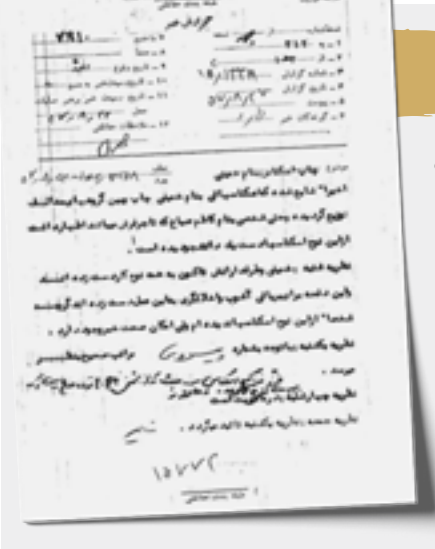
پارازیت‌های انقلابی تاریخ سند: آبان ۱۳۵۷

بند ۵ وضعیت شهر مشهد به شرح زیر اعلام می‌گردد
چند نفر از کارکنان مخابرات مشهد در اداره، عکس کد ۶۶ را پایین آورده و عکس خمینی را الصاق نموده‌اند و در برنامه‌های تلویزیونی نیز اشکالاتی به وجود می‌آورند.
تاریخ سند: ۲۷ آبان ۱۳۵۷
به استحضار می‌رساند کارمندان ماکروویو که جمعا سیزده نفر می‌باشند با یکدیگر هم‌قسم شده‌اند تا به خراب‌کاری‌های خود در بخش اخبار موافق دولت، همچنین قطع برنامه‌های تلویزیونی کمال همکاری را داشته باشند، در نتیجه اخبار روزهای ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ با وقفه پخش شد، به‌طوری‌که در موقعی که سیمای ایران خبر مربوط به اظهارات موافقین را پخش می‌نمود، برنامه تلویزیونی قطع شد، به‌علت همین خراب‌کاری‌ها ساعت ۲۰:۳۰ روز ۵۷/۸/۲۵ هیچ‌گونه خبری پخش نشد و علت آن عدم دریافت صدا و تصویر اعلام گردید؛ همچنین ساعت ۲۰:۳۰ روزه واحد‌های ارتش پخش نشد، اصلح است در مورد پخش مجدد آن که مورد درخواست مردم می‌باشد، اقدام لازم به عمل آید، ضمناً مدتی است که برنامه دوم در خراسان پخش نمی‌گردد.

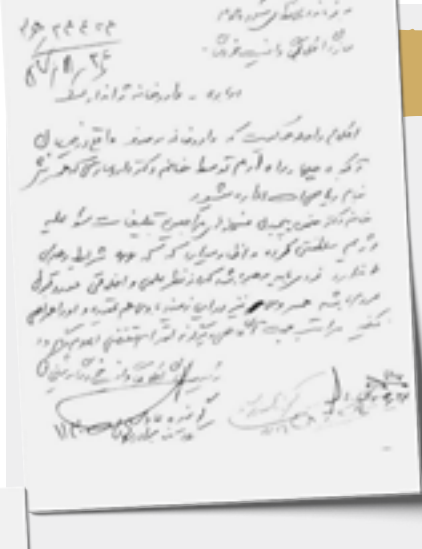
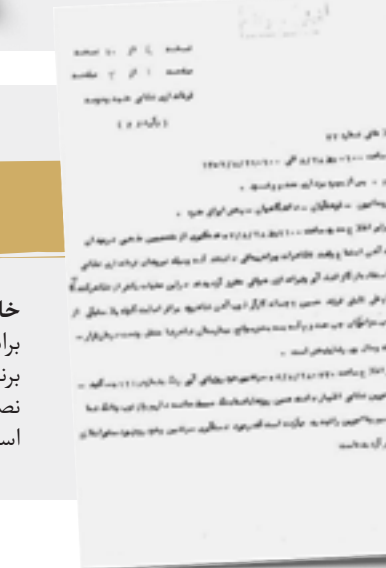


چاپ اسکناس به نام خمینی^(۵) تاریخ سند: آبان ۱۳۵۷

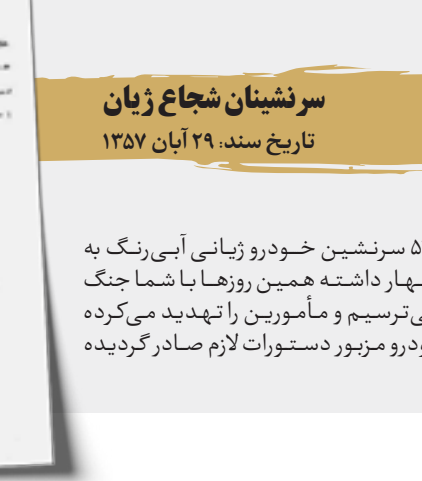
اخیراً شایع شده که اسکناس‌هایی به نام خمینی چاپ و بین گروه‌های مخالف توزیع گردیده و حتی شخصی به نام کاظم صباغ- که تاجر فرش می‌باشد- اظهار داشت از این نوع اسکناس‌ها دست یک دانشجو دیده است. نظریه یکشنیه، با توجه به شماره پیروی مراتب صحیح به نظر می‌رسد. ضمناً فتوایی اسکناس مورد بحث که از شخصی به نام [ناخوانا] به دست آمد، به پیوست تقدیم می‌گردد.



خلاصه اطلاعاتی شماره ۷۲ وضعیت شهر برابر اطلاع، در ساعت ۸:۳۰ روز ۵۷/۸/۲۸ یک برگ برنامه ساختن مواد آتش‌زا را به درب منزل شیرازی نصب نموده بودند که دستور پاک‌سازی داده شده است.



اطلاع واصله حاکی است که داروخانه موصوف، واقع در خیابان آبکوه، چهارراه ارم، توسط خانم دکتر داروسازی که همسرش به نام ریاحی است اداره می‌شود. خانم دکتر ضمن پیچیدن نسخه‌های مراجعین، تبلیغات سوء علیه رژیم سلطنتی کرده و اظهار می‌دارد که کد ۶۶ شرایط رهبری را ندارد، فردی باید رهبر باشد که از نظر علمی و اخلاقی مورد قبول مردم باشد. همسروی نیز در این زمینه با وی هم‌عقیده و او را همراهی می‌کند. مراتب جهت آگاهی و هرگونه اقدام مقتضی اعلام می‌گردد.
کد ۶۶؛ شاه



خلاصه اطلاعاتی شماره ۷۳ وضعیت شهر برابر اطلاع، ساعت ۰۷:۳۰ تاریخ ۵۷/۸/۲۸ سرنشین خودرو ژبانی آبی رنگ به شماره ۵۲۱۸ گنبد به مأمورین نظامی اظهار داشته همین روزها با شما جنگ مسلحانه داریم و از توپ و تانک شما نمی‌ترسیم و مأمورین را تهدید می‌کرده است که در مورد دستگیری سرنشین و خودرو مزبور دستورات لازم صادر گردیده است.

درباره خانه «فرهنگ» بیرجند با معماری درون‌گرای کویری ما درون را بنگریم و هال را



هادی دقیق|ا مدتی است که انگار چیزی شبیه پویش یا کارزار به پا شده که به خانه‌های تاریخی اهمیت می‌دهد. شاید دورشدن بشر از آن اصل خویش و کاربری‌های مثلاً شبیک و مدرن و غیرکاربردی خانه‌های جدید، دل انسان را برای کاهگل و بوی نم آجر و رنگ کاشی‌های آبی و آخربنی تنگ کرده است؛ برای بناهایی که هرچه نداشتند، کاربردی ساخته می‌شدند تا گرهی از کار انسان باز کنند. روی هم‌رفته حالا تقریباً در همه جای ایران بافت‌ها و خانه‌های تاریخی یکی یکی دارند از پشت ابر برزرق و برق زندگی مدرن بیرون می‌زنند. حسی که کشف این فضا‌های جدید و روحی که انسان‌ها در آن‌ها دمیده‌اند به آدم می‌دهد، می‌تواند خستگی زندگی‌کردن در فضا‌های بی‌قاعده و قانون و بی‌روح شهرهای امروز را از تن به در کند. حضور در این سرا‌های سنتی حتی برای خیلی‌ها نوعی روان‌درمانی یا همان ترابی است. در همین خراسان خودمان هم بافت‌های شاخص سنتی در شهرها کم نداریم، اما انصافاً بیرجند در این بین یک سرگردن از هرچه بافت تاریخی در خراسان می‌بینیم، بالاتر است.

این بافت در بیرجند به حدی گسترده است که حتی وقتی عکس‌های هوایی شهر را می‌بینیم، رنگ بخش بزرگی از مرکز شهر، خاکی است. یعنی عکس هوایی در این منطقه سقف خانه‌هایی را نشان می‌دهد که بیشترشان گنبدی و کاهگلی هستند. برخلاف بقیه شهر که انعکاس تیز نور خورشید از آیزوگام‌ها دیده می‌شود. منظوم همان اطراف خیابان جمهوری فعلی است که بازار قدیمی شهر و کلی بافت تاریخی را در برمی‌گیرد. یکی از خانه‌های زیبای این منطقه که آبان ۱۳۷۹ ثبت ملی شد، خانه‌ای است به نام فرهنگ در کوچه پس‌کوچه‌های شمالی خیابان جمهوری.

● کویر و خانه فرهنگ

بافت سنتی بیرجند به واسطه قرارگیری در کویری که آفتابش سر می‌سوزاند و بادش پوست می‌کند، کاملاً درون‌گراست؛ یعنی ارتباط بنا با فضا‌های اطرافش محدود است و روزنه‌های رو به بیرون به کمترین میزان می‌رسند. در این سبک معماری همه چیز حول فضای درونی یا حیاط مرکزی بنا می‌چرخد. خانه فرهنگ هم از این دست خانه‌هاست. ورودی خانه فرهنگ در کوچه‌ای است که هنوز کم و بیش دیوارهای آجری و کاهگلی‌اش تنه‌به‌تنه نماهای سیمانی و بتنی دیده می‌شود، اما یک ویژگی برجسته این خانه را از بقیه متمایز می‌کند. نمای ورودی خانه فرهنگ سردری است با تزئینات آجری قالبی که نقوش هندسی و برجسته آن‌ها پای هر رهنگ‌دزی را بست می‌کند. ورودی خانه قالی مربع شکل است که تزئینات آجری‌اش از رخ‌بام آغاز می‌شود و سراسر بیرون قاب و فرورفتگی درون آن را که با طاق پوشیده شده است، در برمی‌گیرد. این تزئینات آجری برجسته آن قدر زیاد و متنوع‌اند که وقتی از یک گوشه طاق شروع کنیم آن‌ها را تماشا کنیم، ناخودآگاه چشمانمان آجریه‌آجر می‌گردد و از سقف می‌گذرد و به آن سوی طاق می‌رسد. این چشم‌نوازی آستانه بنا توقع مهمان این خانه از تزئینات داخل آن را هم زیاد می‌کند.

پس از ورودی، هشتی بناست که چند سکو، راه‌پله پشت‌بام و اتاقکی که چاه آب در آن قرار داشته، در اطرافش قرار دارند. هشتی بنا با یک پیچ‌وناب به حیاط خانه می‌رسد. صحن حیاط خانه با وجود اینکه کم‌وسعت است، فضا‌های گوناگون و زیبایی در اطراف خودش جای داده است و باغچه وسطش هم همه چیز را کامل می‌کند. حجم آجرکاری حیاط هم آن قدر زیاد است که توقع بیننده را برآورده و به‌اندازه کافی چشمش را سیراب می‌کند.

● تنوع فضا در معماری درون‌گرا

از جمله فضا‌های اطراف حیاط خانه فرهنگ ایوانی زیباست که دو ستون در وسطش قرار دارد و دو نیم‌ستون چسبیده به دیوار دارد. در مجموع بین این ستون‌ها که با آجرهای قالبی برجسته تزئین شده‌اند، سه طاق ایجاد شده است. فضای این بخش از خانه با آجرکاری‌های پرکارش هویت اصلی بنا را شکل می‌دهد؛ هویتی که با استفاده از عناصر مدرن در کالبد فضای سنتی، قدمت خانه را به اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی می‌رساند. شاه‌نشین خانه فرهنگ نیز پشت همین ایوان است و برخلاف اسم دهان‌پرکن آن، فضا‌سازی ساده‌ای دارد. در دو طرف شاه‌نشین هم دو اتاق قرار دارد که قرینه هم هستند. اتاق‌های این بخش، خانه، طاقچه و پستو دارند.

در دو سوی دیگر حیاط خانه فرهنگ، فضا‌های پنج‌دری یا همان مهمان‌خانه و سه‌دری، کاملاً پیدا است. داخل اتاق پنج‌دری که با چند پله از صحن خانه بالاتر است، با دو پایه و ایجاد طاق به فضا‌های کوچک و بزرگ تقسیم شده است. جدا از این سه ضلعی که گفته شد، در ضلع دیگر حیاط، فضایی ساده‌تر ایجاد شده که از نظر شکل شبیه مهمان‌خانه است، اما کارکردش متفاوت بوده و برای نشیمن ساکنان خانه بوده است.

در این بخش، فضا‌های متنوعی مثل انباری، طاقچه‌های فراوان، پستو، سرویس بهداشتی و اتاق‌های کوچک و ساده تعبیه شده است. در کل، مصالح خانه فرهنگ گچ و آجر و آهک است و تا زمان ثبت ملی‌شدن و حتی مدت‌ها پس از آن با همان کاربری مسکونی از آن استفاده می‌شده است. خانواده فرهنگ نه فقط به این خانه، بلکه به این محله هم هویت داده‌اند، به‌شکلی هنوز میدانی در نزدیکی این خانه تاریخی به‌نام «میدان فرهنگ» وجود دارد.

روی هر فرقه مدتی است که بافت تاریخی بیرجند به همت دست‌اندرکاران جان‌گرفته و خانه فرهنگ هم در همین راستا از مالک شخصی خریده شده است تا طبق شنیده‌ها به موزه تبدیل شود. این کار به نجات یافتن فرهنگی کمک می‌کند که انسان شهرنشین به شدت به آن نیاز دارد و مدتی است دوباره به آن رو آورده است، قدم‌زدن در فضا‌های معماری سنتی و درک آن.

منبع استناد،

مرکز بررسی

اسناد تاریخی

منبع استناد،

مرکز بررسی

اسناد تاریخی